

برای تو

خطبه پنجشنبه سبز

اول قرننیاں 10؛ 16-17



تعالیمی را که به شما دادم، از خود خداوند گرفتم و آن این بود که عیسی خداوند در شبی که تسلیم دشمنان شد، نان را گرفت و بعد از شکرگزاری آن را پاره کرده گفت: «این است بدن من برای شما. این را بهیاد من بجا آورید.»

همانطور پس از شام پیاله را نیز برداشته گفت: «این پیاله همان پیمان تازه‌ای است که با خون من بسته می‌شود. هرگاه این را می‌نوشید، بیاد من بنوشید.»

زیرا تا وقت آمدن خداوند هرگاه این نان را بخورید و پیاله را بنوشید، مرگ او را اعلام می‌کنید..

شاگردان عیسی چند بار عید پسخ را با عیسی جشن گرفتند. و هر دفعه او برای شاگردان و قوم خودش چیز جدیدی را عنوان می‌کرد. حالا باز هم این عید در اورشلیم در حال نزدیک شدن است و آنها با عیسی باید این عید را جشن بگیرند. چه کسی می‌داند شاید این یکی از آن آخرین جشن‌ها باشد. در این میان خیلی سوال‌ها پیش می‌آمد که این عیسی در واقع چه کسی است. بعضی‌ها انتظار داشتند که از این گرفتاری‌های سیاسی آزاد بشوند و برخی هم تقاضای درمان بیماری‌شان را داشتند. برخی هم فقط دوست داشتند ببینند که عیسی چه می‌گوید. بالاخره عیسی و آنها دوباره دور یک میز جمع می‌شوند. و مثل همیشه عیسی چیزهای غیر منتظره‌ای ارائه می‌داد و همه شاگردان متعجب می‌شدند. او بر روی میز نانی را بر می‌دارد و می‌شکند و می‌گوید که این جسم من است و جام شرابی بر می‌دارد و می‌گوید که این خون من است و این است عهد جدید. شاگردان با لرزی خاص نان و شراب را دریافت می‌کنند و با خودشان می‌گویند که این کار به چه معنی می‌باشد. ما این کار را اصلاً نکرده ایم و اعمال دیگری را انجام می‌دادیم. و اینها همه مزه یک نان و شراب را می‌دهند. آیا این یک روشی از شعیده بازی می‌باشد؟ یکی یا چندی از آنها شاید خیلی تردید داشتند که این کار را بکنند. آنها از خودشان می‌پرسیدند که آیا آنها اصلاً اجازه دارند که این کار را بکنند؟ آیا لازم است که عیسی انقدر به من نزدیک بشود؟ اگر او تمام بدی‌های وجودم را ببیند چه می‌شود؟ و اگر او تمام تمایلات من را از من بگیرد و من فقط خواست‌های او را انجام بدهم چه می‌شود؟ برخی هم شاید آن عمل را انجام دادند فقط بخاطر اینکه دیگران آن را انجام داده بودند. دریافت کردن جسم و خون عیسی از زمانی که عیسی آن را بار اول انجام داد هنوز ادامه دارد و هیچ تغییری در آن انجام نشده است. عیسی در این مراسم نان و شراب چه چیزی به ما می‌خواهد بگوید؟ او چیزی را قصد ندارد که به ما بگوید یا برای ما مثالی بزند بلکه او تنها یک چیزی می‌خواست. او دوست دارد که عملی را برای ما انجام دهد. آن شاگردان متوجه نشده بودند که چه کاری را انجام داده‌اند ما امروز هم متوجه نمی‌شویم که چه عملی را در هنگام مراسم نان و شراب انجام می‌دهیم. آن شاگردان فقط آن کار را به سادگی انجام دادند. اولین اجتماع کلیسایی این کار را هم را انجام داده است همینطور ما هم تا به امروز آن را انجام می‌دهیم. بردارید و بخورید این جسم من است. بردارید و بنوشید این خون من است. عیسی این‌ها را به ما نداد که ما بتوانیم زندگی‌مان را بهتر کنیم. او در اولین و این مراسمی که ما انجام می‌دهیم قصد داشته که خودش را به ما اهدا کند. یک جام، یک جسم، یک اجتماع و یک مسیحی. ما امروز هم همان جسم عیسی‌ای را دریافت می‌کنیم که خود عیسی در اولین مراسم شام آخر انجام داد. او خودش را شخصاً برای تو فدا کرده است و او این کار را نه فقط برای گناه آن 12 شاگرد و یا نه فقط برای قوم یهود و یا برای آن دوران بلکه برای تمام زمان‌ها و برای تمام انسانها این کار را انجام داده است. و خون و قدرت او از تمام این زمان‌ها و این اتفاقات عبور کرده تا به امروز که به ما در این مراسم رسیده است و او فقط این کار را انجام داده است تا خودش را برای ما فدا کند. زمانی که ما امروز این مراسم نان و شراب را انجام می‌دهیم با عیسی یکی می‌شویم. ما همینطور با اجتماع خودمان یکی می‌شویم و این را می‌دانیم که با توجه به تمام اختلافات و گرفتاری‌هایی که در اجتماعات وجود دارد باز هم ما از همین طریق یکی هستیم. ما در اولین مراسم نان و شراب این اختلافات را می‌بینیم که یکی از شاگردان در این کار تردید داشت کسی

دیگر هم قصد خیانت به عیسی را داشت و دیگری هم با وجود وفاداری زیاد ، خود عیسی را انکار می کند. این اعمال را در هر نسلی می توان دید: تردید ، بی ایمانی ، مشاجره ، خیانت و .. ولی باز هم یکی بودن کلیسا توسط عیسی برای ما باقی می ماند. ما برای این کار به پژوهشگران نیاز نداریم و یا نیاز به سمینارهای تخصصی نداریم تا با هم یکی بشویم بلکه این کار توسط خود عیسی آنجا می شود. ما با تمام اختلافات باز هم یکی می شویم و روزی جسم عیسی و این اتحاد را حس می کنیم و می بینیم. در این دنیا شناخت جسم عیسی برای ما ناشناخته باقی می ماند. و برای همین از آن زمان اختلافاتی وجود داشته است. این جامی که ما از آن می نوشیم هیچ ربطی با بت پرستی ندارد. آدم نمی تواند که از جامی بنوشد که غیر مسیحیان از آن نوشیده اند و یا خون عیسی را نمی توان نوشید. در آن زمان هایی که پولس زندگی می کرد این سنت ها وجود می داشت که برای بت ها خدمت می کردند. مسیحیان در این میان یک خدا را خدمت می کردند و نمی توانستند خودشان را با این سنت های آنها یکی بکنند. عیسی با خون و جسم خودش ما را با یک خدا یکی کرد. چقدر بد است اگر ما این ها را نادیده بگیریم و کورکورانه بت ها را خدمت کنیم. پولس می گوید که این امکان ندارد و ما فقط یک جسم و یک جام عیسی داریم. و این امکان ندارد که این دو را از هم جدا کنیم. سوال هایی که برای آن بت پرستان وجود دارد را ما نمی توانیم قبول داشته باشیم. شیطان از کار خود عقب نکشیده است و تا به امروز هم این جنگ ما بین ما و او ادامه دارد برخی از اوقات او با فشار و درگیری در نزد ما حضور پیدا می کند برخی اوقات او موجب بی ایمانی و تردید می شود. ولی برخی اوقات شیطان خیلی راحت و آرام وارد قلب انسان ها می شود و به آنها می گوید که خون و جسم عیسی برای چیز دیگری می باشد. ولی با این حال عیسی برای ما باقی می ماند و او خون و جسم خودش را برای ما آماده نگه می دارد. ملایمترین عملی که می توان در برابر بدی ها انجام داد همین است ولی در پشت این عمل خود عیسی وجود دارد. کسی که با کلام خودش در این جهان حضور دارد و همانطوری باقی می ماند. و در این میان عیسی در این روز، شبی را به ما نشان می دهد که ما در این شب عمل خیانت به او را می بینیم. و می بینیم که چطور او را انکار می کنند. ولی در انتهای این شب باز هم عیسی برای ما باقی می ماند. برای من و برای تو. آمین